



پوهنتون سلیم
پوهنځی شریعت و قانون
پروگرام مسلکي فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معاونت امور علمی

افلاس در شریعت اسلامی و قوانین افغانستان

(پایان نامه ماستری)

محصله: منیره "حبیبی"

استاد رهنما: دکتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال: 1396 هـ.ش. 1440 هـ.ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

افلاس در شریعت اسلامی و قوانین افغانستان

(پایان نامه ماستری)

محصله: منیژه "حبیبی"

استاد رهنما: دکتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال: 1398 هـ ش 1440 هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت فقه و قانون

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترمه منیره بنت غلام حبیب ID: SH-MSF-97-410 محصل دور ششم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: افلاس در شریعت اسلامی و قوانین افغانستان به روز پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم :

شماره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	سر محقق سید حبیب شاکر	عضو هیات	
۲	دکتور رفیع الله عطاء	عضو هیات	
۳	دکتور محمد یونس ابراهیمی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

..... معاون علمی

..... امر بورد ماستری

خلاصه بحث

یکی از مسایل و موضوعات مهم که امروزه جامعه درگیر آن است، عدم پرداخت قروض به وقت معیننه آن است، که حتی این موضوع برخی وقت به تنش های لفظی و درگیری های فیزیکی می انجامد، زمانی که تحقیق می شود، بوضوح معلوم می گردد که عامل اساسی آن عدم آگاهی از افلاس و احکام آن می باشد، بنابر این شناخت افلاس یکی از وسایل و راه حل به این نوع منازعات می شود، که خلاصه معرفی آن قرار ذیل است:

1- مفهوم افلاس: (عبارت است از قرض که بالای شخص است، برابر است که این شخص تاجر باشد و یا غیر تاجر، هیچ مال نداشته باشد و یا مال دارد، ولی مالش کمتر از قرضش باشد، سپس این شخص به حکم قاضی، دستش از تصرف کردن مالش گرفته شود).

2- سیر تاریخی نظام افلاس: سیر تاریخی نظام افلاس به قبل از اسلام بر می گردد، یعنی بحث از اصول، قواعد و قوانین افلاس مثل یک نظام خاص بر اموال قرض دهنده و قرض گیرنده، به قانون دولت رومانی بر می گردد، پس قواعد متعلق به حکم افلاس، اجراءات شهرت مفلس، گرفتن دست مفلس از تصرف کردن در اموالش، اداره و به کارگیری اموال مفلس، تعیین شخص امین بر افلاس، اجراءات برای فروختن اموال مفلس، سلطه قضائی در افلاس و غیره از قواعد که امروزه نصوص و متون قوانین به آنها تصریح نموده اند، به اصول و قوانین رومانی بر می گردد. با آمدن اسلام، نظام افلاس که موافق نظام و احکام اسلام بود، تأیید گردید.

3- موضوع افلاس و احکام آن: افلاس و احکام آن از نگاه شریعت عام است، اما از نگاه قانون خاص و مربوط تجارت می شود، یعنی غیر از تجار، دیگران از این نظام مستثنی هستند، زیرا از اساس و پایه افلاس از نگاه قانون مربوط تجارت شناخته شده است، تا مشکلات بوجود آمده در محیط تجارت را علاج و حل و فصل نماید. از طرف هم افلاس تنها تأثیر منفی بالای مصالح دائنین نمی گذارد، بلکه به مصالح عام هم ضرر وارد می کند، زیرا این کار به یک پیامد و نقصانی منجر می گردد که به تمام تجار ضرر وارد می کند.

4- جرایم مربوط به افلاس: جرایم مربوط به افلاس از نگاه قانون خاص می باشد، از جمله: الف- در حال که موضوع قرض یک موضوع مدنی است، با آن هم شخص تاجر که از پرداخت قروض اش در موعد معیننه، امتناع می ورزد، مطابق درخواست و مصلحت دائنین، شخص مذکور، حبس می گردد. ب- از برخی حقوق و امتیازات آزادی از قبیل عدم تصرف بر مالکیتش محروم می گردد، در حال که این شخص دارای عقل، بلوغ، صحت و حریت می باشد.

- 5- تطبیق حکم افلاس: حکم افلاس بالای مدیون موجود تطبیق نمی گردد، مگر به وجود تمام دائنین که اهداف، مصالح و مسیرشان متحد باشند، که همانا گرفتن قروض شان از شخص مدیون اند. همچنان تشهیر افلاس مدیون امکان پذیر نیست، مگر به حکم قاضی.
- 6- هدف از افلاس: از نگاه شریعت و قانون: الف: فراهم نمودن زمینه مناسب پرداخت دیون مفلس. ب: تأمین شفافیت در مدیریت اموال دیون مفلس و آگاه سازی دائنین از آن. ج: افزایش ارزش اموال مفلس به نفع دائنین. د: توزیع مساویانه اموال مفلس میان دائنین.
- 7- شرایط افلاس: در صورت که مدیون مفلس شخص حقیقی باشد، از نگاه قانون: الف: باید صفت تاجر را به خود داشته باشد ب: تجارت برایش به حیث یک کسب باشد ج: درکار تجارت استقلالیته داشته باشد، اما از نگاه شریعت عام است. و در صورت که تاجر شخص حکمی باشد، از نگاه قانون: تجارتش باید شکل رسمی را با خود داشته باشد، اما از نگاه شریعت عام است.
- 8- آثار افلاس: از نگاه شریعت و قانون حکم افلاس از طرف محکمه خاص باید صادر گردد. با صدور حکم از محکمه مربوطه، شخص مدیون مفلس شناخته شده و از همان تاریخ حکم افلاس بالایش نافذ می گردد و شخص مدیون دیگر تصرف در اموالش کرده نمی تواند و هم از برخی حقوق مدنی و سیاسی محروم می گردد.
- 9- انتهاء افلاس: برای انتهاء و پایان یافتن از افلاس از نگاه شریعت و قانون راهای وجود دارند، از جمله: الف: صلح قضائی. ب: تنازل از موجودات مفلس. ج: تقسیم اموال موجوده مفلس. د: اتحاد دائنین به ابراء مفلس. ه: پرداخت قروض دائنین از طرف تاجر مدیون مفلس.
- 10- از نگاه قانون اعاده حیثیت مدیون مفلس و انحلال یافتن از افلاس: بعد از پایان یافتن افلاس در صورت که مدیون، شخص حقیقی باشد، حق دارد تا از طرف محکمه مربوطه اعاده حیثیت گردد و در صورت که تاجر مدیون شخص حکمی باشد، حق دارد تا حکم افلاس از بالایش انحلال یافته و دوباره به فعالیت شان آغاز نماید.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1.....	مقدمه
فصل اول	
مفاهیم و کلیات موضوع	
7.....	مبحث اول: معرفی افلاس
7.....	مطلب اول: تعریف افلاس
7.....	الف: تعریف لغوی افلاس
9.....	ب: تعریف اصطلاحی افلاس از نگاه فقهاء
10.....	ج: تعریف اصطلاحی افلاس از نگاه قانون
11.....	د: مقایسه میان هر دو تعریف
11.....	مطلب دوم: الفاظ مشابه به افلاس
11.....	الف: اعسار
11.....	1- تعریف لغوی اعسار
12.....	2- تعریف اصطلاحی اعسار
13.....	3- مقایسه میان افلاس و اعسار
15.....	ب: حجر
15.....	1- تعریف حجر
20.....	2- مقایسه میان حجر و افلاس
20.....	ج: تفلیس

- 22.....مبحث دوم: سیر تاریخی افلاس و صفات آن.
- 22.....مطلب اول: سیرتاریخی نظام افلاس.
- 22.....الف: سیر تاریخی نظام افلاس قبل از اسلام.
- 25.....ب: سیر تاریخی افلاس در شریعت اسلامی.
- 27.....مطلب دوم: صفات افلاس.
- 27.....1- خاص بودن افلاس در تجارت.
- 28.....2- جرایم مربوط به افلاس خاص است.
- 30.....3- چگونگی تطبیق کردن حکم افلاس.
- 31.....4- اجراءات قضائی افلاس.

فصل دوم

شرایط و آثار افلاس و مفلس از نگاه شریعت و قوانین افغانستان

- 32.....مبحث اول: شرایط افلاس از نگاه شریعت و قوانین افغانستان.
- 32.....مطلب اول: شروط موضوعی افلاس.
- 33.....اول: شروط موضوعی افلاس شخصیت حقیقی.
- 33.....الف: تجارت به حیث یک کسب باشد.
- 34.....ب: استقلال در کار تجارت داشته باشد.
- 34.....ج: صفت تجارت برایش ثابت گردد.
- 34.....1- حکم تجارت با اسم مستعار.
- 35.....2- حکم تاجر معزول.

- 3- حکم تاجر متوفی..... 35
- دوم: شروط موضوعی افلاس شخصیت حکمی..... 36
- مطلب دوم: شرایط شکلی افلاس..... 38
- شروط اول: حکم شهرت افلاس باید صادر گردد..... 38
- اول: مضمون حکم افلاس..... 38
- الف: تعیین تاریخ توقف از پرداخت قروض از طرف محکمه..... 38
- ب: تحقق صفت تجارت برای مفلس..... 39
- ج: تذکر شخص که برایش حق طلب افلاس است..... 39
- 1- درخواست شهرت افلاس از طرف مدیون مفلس..... 39
- 2- درخواست شهرت افلاس از طرف دائنین..... 41
- 3- حکم به شهرت افلاس از طرف محکمه..... 42
- 4- حکم به شهرت افلاس با درخواست نیابت عامه..... 43
- دوم: مقایسه میان شریعت و قانون در مورد حکم شهرت افلاس مدیون..... 44
- شروط دوم: محکمه خاص در قسمت شهرت افلاس بر گزار گردد..... 44
- مطلب سوم: شروط حجر مدیون مفلس..... 46
- مطلب چهارم: شروط کسی که مفلس را حجر می سازد..... 48
- مطلب پنجم: مقایسه شرایط افلاس و حجر میان شریعت و قوانین افغانستان..... 50
- مبحث دوم: آثار افلاس از نگاه شریعت و قوانین افغانستان..... 52**
- مطلب اول: آثار افلاس نسبت به مدیون مفلس..... 52

- الف: آثار متعلق بر ذمه مال مفلس.....56
- اول: دست مدیون مفلس از اداره و تصرف در اموالش گرفته می شود.....53
- دوم: هدف شریعت و قانون از گرفتن دست مدیون مفلس.....55
- سوم: چگونگی تطبیق قاعده گرفتن دست مدیون مفلس.....55
- 1- از حیث اموال و حقوق.....56
- 2- عدم قبول اقرار کردن مفلس.....56
- ب: آثار متعلق بر ذمه خود مفلس.....63
- اول: آثار متعلق بر ذمه خود مفلس از نگاه شریعت اسلامی.....60
- دوم: آثار متعلق بر ذمه خود مفلس از نگاه قانون.....61
- 1- سقوط از برخی حقوق سیاسی و مدنی.....61
- 2- عدم ممانعت از اشتراک مدیون مفلس در وقت صدور افلاس نامه.....62
- سوم: مقایسه میان شریعت و قانون در این مورد.....62
- مطلب دوم: آثار افلاس بر دائنین.....62
- الف: وقف دعاوی و اجراءات انفرادی.....63
- ب: مهلت قروض ساقط می گردد.....63
- 1- سقوط مهلت قروض از دیدگاه شریعت.....63
- 2- سقوط مهلت قروض از دیدگاه قانون.....65
- 3- مقایسه میان شریعت و قانون در قسمت سقوط مهلت قروض.....66
- ج: انقطاع مطالبه قرض از مفلس.....67

- د: رجوع داین به عین مالش وقتیکه نزد مفلس موجود گردد.....68
- 1- وقت رجوع داین.....71
- 2- شرایط رجوع داین.....72
- 3- رجوع داین به عین ثمن.....74
- 4- رجوع داین بدون حکم حاکم.....75
- 5- علایم که به آن رجوع ثابت می‌گردد.....76
- 6- رجوع در عمار بعد از بناء و غرس در آن.....76
- ه: افلاس مستأجر (اجاره گیرنده).....77
- و: افلاس مؤجر (اجاره دهنده).....78
- مطلب سوم: آثار مرتبه بر حجر مدیون مفلس.....78
- الف: فروش اموال مفلس توسط حاکم.....78
- اول: اموال که حاکم فروخته می‌تواند.....79
- دوم: اموال که حاکم فروخته نمی‌تواند.....79
- سوم: مقایسه میان شریعت و قانون در مورد فروختن اموال مفلس توسط حاکم.....83
- ب: نفقه مفلس و عیالش در مدت حجر.....84
- اول: نفقه مفلس و عیالش در مدت حجر از نگاه شریعت.....84
- دوم: نفقه مفلس و عیالش در مدت حجر از نگاه قوانین افغانستان.....85
- سوم: مقایسه میان شریعت و قوانین افغانستان در این مورد.....85
- ج: مبادرت به تقسیم مال مفلس میان دانیین.....85

- 86.....د: ظهور داین بعد از تقسیم مال مفلس میان دائنین دیگر
- 86.....ه: کیفیت تقسیم مال مفلس میان دائنین
- 86.....اول: کیفیت تقسیم مال مفلس میان دائنین در شریعت
- 87.....دوم: کیفیت تقسیم مال مفلس میان دائنین در قوانین افغانستان
- 88.....سوم: مقایسه میان شریعت و قانون در این مورد
- 89.....و: عدم سقوط دین باقی مانده بعد از تقسیم مال موجود مفلس
- 89.....ز: انفکاک حجر از مفلس
- 89.....اول: انفکاک حجر از مفلس در شریعت
- 90.....دوم: انفکاک حجر از مفلس در قوانین افغانستان
- 90.....سوم: مقایسه میان فقه و قانون در مورد انفکاک حجر از مفلس
- 90.....ح: فوت مفلس
- 92.....مبحث سوم: حجر مفلس**
- 92.....مطلب اول: اقوال و دلایل ائمه بر حجر مفلس
- 92.....الف: اقوال فقهاء بر جواز حجر مفلس
- 93.....ب: دلایل فقهاء بر حجر مفلس
- 94.....مطلب دوم: اقوال و دلایل مخالفین حجر مفلس
- 94.....الف: اقوال مخالفین حجر مفلس
- 95.....ب: دلایل مخالفین حجر مفلس
- 97.....مطلب سوم: حجر مفلس از نگاه قانون

98.....مطلب چهارم: مقایسه میان فقه و قانون در مورد حجر مفلس

فصل سوم

انتهاء افلاس و ختم قضیه و اعتراضات در شریعت و قوانین افغانستان

99.....مبحث اول: انتهاء افلاس از نگاه شریعت و قوانین افغانستان

99.....مطلب اول: طریقه انتهاء افلاس

99.....جزء اول: حالات صلح

99.....الف: صلح قضائی

100.....اول: تعریف صلح قضائی

100.....دوم: شرایط صلح قضائی

100.....1- موافقت دائنین و یا اکثریت شان به این صلح

101.....2- تاجر مفلس از حقیقت اموالش تدلیس نکرده باشد

103.....3- تصدیق از طرف محکمه با صلاحیت

104.....ب: صلح با تنازل از موجودات مفلس

105.....جزء دوم: اتحاد دائنین به ابراء

106.....جزء سوم: بستن دعوای افلاس

106.....الف: بستن دعوای افلاس از جهت عدم کفایت اموال مفلس

108.....ب: بستن دعوای افلاس از جهت ادای دیون

109.....مطلب دوم: مقایسه میان شریعت و قانون در زمینه انتهای افلاس

110.....مبحث دوم: ختم قضیه و اعتراضات در شریعت و قوانین افغانستان

110.....مطلب اول: حسابات نه‌ای

112.....مطلب دوم: اعاده حیثیت و انحلال

115.....مطلب سوم: حق اعتراض داشتن داین و مدیون از فیصله متولی، به محکمه

117.....نتیجه گیری

119.....پیشنهادات

121.....فهرست آیات قرآن کریم

122.....فهرست احادیث نبوی

124.....فهرست اعلام

.....فهرست منابع و مأخذ

نتیجه گیری

بعد از بحث و بررسی پیرامون افلاس در شریعت و قانون، نتایج ذیل را به دست آوردیم:

- 1- از این تحقیق چنین نتیجه گرفتیم که سیرتاریخی نظام افلاس به قبل از اسلام در زمان رومانی ها بر می گردد، یعنی قانون رومانی، اساس و تهداب گزار برای نظام افلاس است به شکل که قواعد آن تنظیم گردیده که از جمله آن قواعد: دادن حق برای دائنین است تا بالای اموال مدیون تصرف داشته باشند. با طلوع اسلام در جزیره العرب، قوانین و نظام های مختلف از طرف اسلام آمدند، برخی این موضوعات و مسایل از قبیل نظام افلاس که موافق نظام و احکام اسلام بود، تأیید گردید.
- 2- در قانون برای افلاس صفات و ویژگی های خاص در نظر گرفته شده است، که عبارت اند از: الف- خاص بودن افلاس در تجارت. ب- جرایم مربوط به افلاس. ج- چگونگی تطبیق کردن حکم افلاس. د- اجراءات قضائی افلاس، اما شریعت اسلامی از اینکه افلاس را عام می داند، این صفات را تذکر نداده است.
- 3- مطابق شریعت و قانون هرکدام از شخصیت حقیقی و حکمی حق تجارت کردن را دارند، همچنان برای هرکدام شان در صورت گرفتن قرض و عدم پرداخت آن، حکم افلاس از طرف محکمه صادر می گردد.
- 4- از نگاه شریعت و قانون حکم افلاس و تسویه قضای به مجرد توقف از پرداخت قروض بالای مدیون مفلس مرتب نمی گردد، مگر در صورتی که حکم افلاس از طرف محکمه خاص صادر گردد.
- 5- در قانون گفته شده است: حکم شهرت افلاس متضمن قواعد خاص است، در صورت که محکمه حکم افلاس را بالای شخص مدیون صادر می نماید، آن قواعد را مراعات نماید، از جمله: تحقق صفت تجارت برای مفلس و غیره، اما این قواعد را شریعت اسلامی در نظر نگرفته است.
- 6- برای رسیدگی به شخص مدیون مفلس، در قوانین کشورهای عربی گفته شده است: رفتن به محکمه خاص، از جهت معرفت شهرت احکام افلاس واجب است، این محکمه خاص از دو طریق شناخته می شود: اختصاص اقلیمی و اختصاص نوعی، اما این موضوع در قوانین افغانستان تصریح نشده است.
- 7- شخص مدیون مفلس وقتی حجر می گردد، که قروض گذشته و فعلی مدیون از مالش کرده زیاد باشد، همچنان از طرف دائنین حجر مدیون مفلس مطالبه گردد.
- 8- برای حجر مدیون مفلس محکمه خاص باید برگزار گردد.
- 9- محجور کننده باید قاضی باشد، غیر از قاضی، شخص دیگر مدیون را حجر کرده نمی تواند.

- 10- به مجرد حکم صدور شهرت افلاس، دست مدیون مفلس از اداره و تصرف کردن بر اموالش گرفته می شود. همچنان از برخی حقوق و امتیازات سیاسی و مدنی که در نتیجه تقصیر یا تدلیس مدیون صورت گرفته است، محروم می گردد.
- 11- در نتیجه صدور حکم افلاس، مهلت قروض ساقط گردیده و مطالبه کردن قرض از مفلس قطع می گردد، همچنان داین می تواند به عین مالش وقتی که نزد مفلس بود مراجعه نماید.
- 12- در فقه و قانون گفته شده است: نفقه مفلس و عیالش در مدت حجر بالای حاکم است تا از مال مفلس به شکل درست پرداخت نماید.
- 13- در تقسیم کردن مال مفلس میان دائنین، حجر از او دور نمی گردد، در صورتی که بالای مفلس چیزی از قروض دائنین باقی بماند.
- 14- در فقه تصریح شده است: حجر مدیون و فروختن مال او توسط قاضی یک عمل جایز است و قانون هم این موضوع را درست دانسته است.
- 15- فقه و قانون افلاس را از طریق صلح قضائی یک حل مناسب و مورد قبول نزد دائنین دانسته اند، که این طریقه افلاس را انتهاء و پایان می دهد، در صورتی که به وسیله صلح قضائی این موضوع پایان پیدا نکرد و دائنین را قناعت نداد، موارد دیگر هم وجود دارد که بتواند شخص تاجر مفلس را از حالت افلاس بیرون نموده و هم مورد قبول دائنین گردد و آن عبارت از سعی و تلاش از راهای دیگر است، که این راه ها عبارت اند: الف: صلح با تنازل از موجودات مفلس. ب: اتحاد دائنین به ابراء. ج: بستن دعوای افلاس بشکل موقت از جهت عدم کفایت اموال مفلس. د: بستن دعوای افلاس بشکل دائمی از جهت ادای قروض.
- 16- بعد از این که حکم افلاس از شخص مدیون مفلس ازاله گردید، محکمه مربوطه باز هم برای حسابات نهایی مدیون و دائنین را احضار نموده و برای هر دو طرف ابلاغ نماید که بعد از این دائنین به حق رسیدند و دیگر با شخص مدیون، دائنین کار نگیرند، فقه و قانون این موضع را تاکید نموده اند.
- 17- اعاده حیثیت دوباره حق مدیون مفلس است، این موضوع گر چند در فقه تذکر نرفته است، اما قانون افلاس یاد آوری نموده است.

پیشنهادات

برای اینکه مردم مسلمان افغانستان راجع به افلاس و احکام آن از دیدگاه شریعت و قانون، آگاهی بهتر و خوبتر حاصل نمایند، موارد ذیل را پیشنهاد می‌کنم:

1- به محاکم افغانستان پیشنهاد می‌کنم تا در این قسمت توجه جدی نمایند و اشخاص که از پرداخت قروض به دائین‌شان امتناع می‌کنند، در حال که توانایی پرداخت آن را دارند، قانون را بالای‌شان تطبیق نمایند، تا از این حالت بی‌اعتمادی جامعه نجات پیدا کنند.

2- به وزارت های محترم معارف و تحصیلات عالی که معهد علم، پرورش و نمونه‌الگوگیری برای دیگر وزارت ها و نهادی داخلی و خارجی هستند، پیشنهاد می‌کنم تا در این زمینه توجه نمایند و راجع به قرض، اهمیت آن، امتناع از پرداخت قرض، افلاس و احکام آن، مجازات مفلس متقلب و غیره درج نصاب های درسی شان نمایند، تا نسل جوان و نوجوان از این موضوع آگاهی پیدا کنند و به خانواده های شان بازگو نمایند، تا خانواده ها در قسمت پرداخت قروض شان توجه نموده و از عدم پرداخت قروض که منجر به افلاس گردد و گناهی بزرگی در پی دارند، خود داری نمایند.

3- به وزارت محترم ارشاد حج و اوقاف و شورای علمای افغانستان پیشنهاد می‌نمایم تا برای آگاهی از این موضوع که امروزه بسیار در افغانستان گسترده شده است و مردم به اشکال مختلف قرض می‌گیرند و سپس از پرداخت آن با بهانه های مختلف که ندارم و غیره، امتناع می‌ورزند، سیستم آگاهی دهی را راجع به این موضوع تسریع ببخشند و برای امامان مساجد و انمود نمایند تا از این موضوع، حد اقل در ماه یک و یا دو مرتبه در مساجد به مردم بازگو نمایند، تا مردم به پرداخت قروض شان توجه جدی نمایند، تا این موضوع به معضله افلاس به محاکم کشانده نشود.

4- برای پوهنتون سلام که یک پوهنتون علمی و آکادمیک است، پیشنهاد می‌نمایم تا در این عرصه بازهم تحقیقات بیشتر و بهتر انجام دهند و این تحقیقات را برای نسل جوان تقدیم نمایند تا با آگاهی از این موضوع، نسل جوان از یک طرف تمرکز شان را به دادن قرض که فایده دینی و دنیوی دارند، نموده و از طرف هم برای پرداخت قروض به دائین‌شان توجه نمایند و از عدم پرداخت قروض که منجر به افلاس می‌گردد، خود داری نمایند. بر این اساس موضوع را که من کار کردم، افلاس در شریعت و قانون بود، ولی عناوین دیگری است که بهتر است تا روی آنها هم به حیث منوگراف لیسانس و تیزس ماستری قرار گرفته و کار شوند، از جمله: 1- اهمیت دادن قرض از دیدگاه اسلام. 2- احکام قرض از دیدگاه فقه و

قانون. 3- اهمیت کسب و کار از دیدگاه اسلام. 4- خود داری از پرداخت قرض و مجازات آن از نگاه فقه و قانون و غیره.

5- برای علمای کرام پیشنهاد می کنم تا سیستم آگاهی دهی شان را در رسانه های صوتی و تصویری روی پرداخت قرض و سایر موضوعات که نفع دینی و دنیوی دارند، بیشتر نمایند و مردم را به دادن قرض با همدیگر شان تشویق نمایند و از عواقب عدم پرداخت قروض مردم را هشدار دهند، تا مردم به پرداخت قروض شان توجه جدی نمایند، تا فضای اعتماد و اعتبار از دادن قرض دوباره بر جامعه حاکم گردد.

6- برای مصوبین قانون پیشنهاد می کنم تا قانون افلاس را بازم غنی تر بسازند، از جمله در قوانین کشورهای دیگر مثل الجزایر و مصر گفته شده است: محکمه خاص مکلف است، تا جهت معرفت بهتر و خوبتر شهرت احکام افلاس از طریق اختصاص اقلیمی و نوعی تلاش نماید، ولی این موضوع در قانون افلاس تذکر نرفته است.

7- در اخیر برای وزارت محترم تجارت، اطاق های تجارت و صنایع، تجاران و سرمایه داران محترم پیشنهاد می کنم تا از هر نوع کمک و همکاری برای مردم دریغ نورزند، مخصوصاً زکات های شان را برای مردم فقیر و مسکین کمک نمایند، تا جامعه غنی گردیده و از مفلس شدند، جلوگیری گردد.

بخاطر دسترسی به متن کامل این تحقیق مراجعه شود به:

پوهنتون سلام، کتابخانه مرکزی چهار راهی گل سرخ، سرک کلوله پشته

و یا هم به ایمیل آدرس ذیل تماس گرفته شود:

salamresearchcentre@salam.edu.af